

دانه های گوناگون غلات و حبوبات را بر روی آن می کاشتند و روز ششم عید با خواندن سرود و نواختن موسیقی و بازی های گوناگون محصول را جمع آوری می کردند و ستون ها را در روز مهر «= شانزدهم ماه» خراب می کردند و از روی رشد هر یک از دانه ها، محصول سال جاری را پیش بینی می کردند. پیدایش این آیین را به زمان جمشید منسوب می کنند و گاهی از ستون های هفتگانه نیز سخن به میان می آید. به کاشتن این سبزه ها در سبدها و ظرف ها نیز اشاره کرده اند و نقل کرده اند که گاهی سبدها و ظرف ها را در پایان مراسم به آب می انداختند و یا ستون ها را خراب می کردند و یا دانه ها را بر می گرفتند و به روایتی با این دانه ها نان روغنی (کلوچه یا کلیچه) مخصوص نوروز را می پختند.

تاریخ نویسان قدیم، همچنین به دفعات از آراستن خانه ها و بام ها در هفت روز نوروز سخن گفته اند که بازارها را از خوراکی ها و نوشیدنی ها و پوشیدنی ها و کالاهای دیگر پر می کنند و همه جا را آذین می بندند، چنان که شب به روز می پیوندد و گویند که در این روزها مردم به کنار رودخانه ها و بر بام ها و بازارها می آیند و در هر کاری آزادی کامل دارند.

بنابراین هفت «سین» و هفت «شین» و هفت «میم» که خوان های نوروزی ما را زینت می بخشند، پایه هایی این چنین کهن در هزاره های دوردست دارند.»

ما در قدیم، به عنوان شگون، هفت «سینی»^(۱) از دانه هایی که برکت به سفره ها می آورد، می رویانیدیم و بر خوان نوروزی می نهادیم. به احتمالی، «هفت سین»

می تواند بازمانده همین هفت «سینی» باشد و یا نمادی از «سبزه» و «سرسبزی» اگر در درازای زمان هفت «سینی» یا هفت میوه یا گل یا سبزی که با «سین» آغاز می شوند و هر یک نشانه ای از باروری و تندرستی هستند تلفیق شده است، در آن باید جای پای ذوق لطیف ایرانی را جستجو کرد.

آن چیزهایی که امروزه - افزون بر آن چه تا به حال گفتیم - خوان ما را زینت می بخشند و همه اهل خانه را به جهانی از شادی و سرسبزی فرا می خوانند چیست؟

«سبزه» نو دمیده است و «سنبل» خوش بر و خوشبو.

«سبب» که میوه ای بهشتی نام گرفته است و نمادی از زایش است.

«سمنو» این مائده تهیه شده از جوانه گندم که بخشی از آیین های باستانی پیشگفته را یادآوری می کند.

«سنجد» که بوی برگ و شکوفه درخت آن محرک عشق و دلباختگی است.

«سیر» که از دیرزمان به عنوان دارویی برای تندرستی شناخته شده است.

دانه های «سپند» (= اسفند) که نامش به معنی «مقدس» است و دانه های به رشته کشیده آن زینت بخش خانه های روستایی و دفع چشم بد.

ما بر این خوان آئینه می گذاریم که نور و روشنایی می تاباند.

شمع می افروزیم که روشنایی و تابش آتش را به یاد می آورد.

تخم مرغ که تمثیلی از نطفه و باروری است.^(۲) کاسه آب زلال به نشانه همه آب های خوب جهان و ماهی^(۳) زنده در آب، به نشانه تازگی و شادابی؛ نقل و شیرینی و دیگر چیزهایی که بنا به رسم خاص هر شهر

و روستا و خانواده ای بر این خوان افزوده می شود. در بسیاری از خانه ها گذاشتن نمونه ای از غلات و حبوبات و هم چنین شیر و فرآورده های شیری به نشانه تضمین برکت خانه، متداول است.

در برخی خانواده ها و بویژه در میان هم میهنان زردشتی، هفت «شین» نیز معمول است که باید ناشی از شبیه سازی «شین» با «سین» باشد و هم چنین شاید به این دلیل که شهد و شکر از دیرباز از بنیادی ترین مائده های آن خوان بوده اند.

حتی از هفت «میم» نیز سخن گفته اند که برخی مرغ، ماهی، ماست، مویز و... بر خوان نوروزی می نهادند.

فراموش نکنیم که جشن نوروز از دیرینه ترین جشن هایی است که با وجود حوادث گوناگون همچنان بر جای مانده است و یگانه جشنی است که تا این اندازه در میان مردم مورد توجه بوده است. گرچه جشن مهرگان و جشن سده را نیز تا سده های چندی پس از اسلام به طور رسمی برگزار می کردند و هنوز نیز جشن سده در برخی از شهرهای ایران جای خود را دارد، ولی نه مهرگان و نه سده همچون نوروز در چهار دیواری خانه ها نفوذ نکرده اند.

پانویس

- ۱- «سینی» معرب «چینی» است که در قدیم به طبق های بزرگی که از چین آورده بودند گفته می شد.
- ۲- در اسطوره های ایران باستان، آسمان و زمین هم چون تخم مرغی توصیف شده اند که زمین هم سان زرده در میان آسمان که هم سان سفیده می باشد، قرار دارد.
- ۳- ماه اسفند برابر با برج «حوت» است به معنی «ماهی» ۵۵. صادق همایونی، مراسم چهارشنبه سوری، نوروز و سبزه در شیراز و سروستان، جشن نوروز و چهارشنبه سوری و سبزه بدر، ص ۱۴۷.